

سرمایه‌گذاری‌های لازم برای حفظ سطح فعلی تولید نیز با سختی انجام پذیر باشد. حال باید به دلایل این عدم موفقیت پرداخت:

به نظر می‌رسد که یکی از دلایل توجه اندک شرکت‌های معتبر جهانی نتیجه مستقیم فشارهایی است که دولت آمریکا علیه ایران اعمال می‌نماید. چندی پیش یکی از نمایندگان مجلس، آقای محسن یحوی نیز به وجود این ارتباط اشاره کرد. عامل دیگری که جلب سرمایه‌گذاری خارجی را دشوارتر می‌سازد، ناروشنی نقش وزارت‌خانه‌های سیاسی و وزارت‌خانه‌های فنی در این زمینه است. مثال بارز این ناروشنی، اظهار نظر اخیر علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه درباره عقد قرارداد توسعه منابع گازی حوزه پارس جنوبی با شرکت فرانسوی توتال است. خبری که به فاصله یک روز توسط وزارت نفت تکذیب شد. در واقع شکی نیست که پروژه‌هایی با این اهمیت همواره هم از نظر فنی شایان دقت هستند و هم از نظر سیاسی. اما تداخل این دو با یکدیگر نه به نفع پیشبرد امور فنی خواهد بود و نه به سود منافع سیاسی.

علاوه بر حضور بارز سیاست خارجی در این گونه تصمیم‌گیری‌ها، جنبه دیگر آن مسئله اقتصادی بودن و واقع‌گرا بودن خود پروژه است که نقش به‌سزایی در جلب شرکای خارجی ایفاء می‌نماید.

دولت ایران بیش از هر عامل دیگر مواجهه مسائلی است که در ارتباط با کمبود سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایجاد شده‌اند. به همین دلیل یکی از اقدامات مثبت دولت در

چارچوب بودجه سال ۱۳۷۶، ایجاد امکان سرمایه‌گذاری خصوصی در ساخت پالایشگاه و عرضه محصولات نفتی به شمار می‌آید. ولی به نظر نمی‌رسد که این حرکت برای حل معضلات این صنعت کافی باشد.

مهم‌ترین عاملی که می‌تواند به وضعیت فعلی ایران در زمینه توسعه صنعت نفت کمک نماید، شفافیت هرچه بیشتر برنامه‌ها و دستاوردها از یک سو و از سوی دیگر دوری جستن از برخورد شعاروارانه با صنعتی است که بنیه اصلی اقتصاد ایران محسوب می‌شود. بدیهی است که حساسیت مسائل در زمینه نفت و گاز بسیار بیشتر از سایر حوزه‌ها است و عدم شفافیت، ناروشنی احتمالی در برنامه‌ها و امیدهایی که نتوانند به واقعیت منجر شوند، لطمات جبران‌ناپذیری را به اقتصاد ایران خواهد زد.

گفتگو ۱۳

ب.خ.خ.

## «خودی» و «دیگری» در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری ایران

از جمله تبلیغات منفی‌ای که مخالفان آقای خاتمی سعی کردند علیه وی سامان دهند، یکی هم آن بود که گفتند «دیگران» به حمایت از او اقدام کرده‌اند، یعنی که او دیگر لایق پشتیبانی «خودی‌ها» نیست. هرچند نتایج انتخابات نشان داد که گوش مردم به این حرف‌ها بدهکار نبود و عاقبت کار چنان شد که همه می‌دانیم، اما از منظر حاکم بر این افشاگری نباید ساده

گذشت. چرا که در سال‌های اخیر وجوه متعددی از این نوع استدلال، یعنی تقسیم ایرانیان به خودی و غریبه در بحث‌های سیاسی، اجتماعی و به ویژه فرهنگی کشور زیاد به کار گرفته شده است. اینک جای آن دارد که در آینه انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری نگاهی مجدد به آنها بیندازیم.

پرسش اینجاست که اولاً چرا رقبای انتخاباتی آقای خاتمی گمان کردند که جلب نظر «دیگری»، ضد ارزش است؟ و پرسش دوم اینکه چرا نه فقط این «افشاگری» مؤثر واقع نشد بلکه مانند بسیاری از «افشاگری‌های» دیگری که علیه آقای خاتمی انجام گرفت، نهایتاً بر محبوبیت وی افزود؟

در واقع نگاهی به تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که رقبای آقای خاتمی در طرح این مطلب که «غیرخودی‌ها» از او پشتیبانی کرده‌اند و در نتیجه او لایق حمایت «خودی‌ها» نیست، نه بدعت‌گذار راه و رسمی نو در مبارزه سیاسی بوده‌اند و نه مسیر ناپیموده‌ای را به ناگهان گشوده‌اند. آنها این بار نیز گمان کردند که جلب نظر «غیر خودی» ضد ارزش است چرا که سال‌هاست تقسیم کردن جامعه به «خودی» و «غیر خودی» به عنوان ابزاری برای پیشبرد امور سیاسی کشور، کاربرد وسیعی داشته است. «دیگری» در قالب خصم، برای ما به منزله منبعی مطمئن برای بسیج مردمی بوده است. ارزیابی سیاسی ما از نظام شاهنشاهی به منزله نظامی وابسته به دیگری، و در نتیجه، تعلق خاطر ما به مفهوم استقلال از سوی، و تهاجم نظامی عراق به ایران که سریعاً آشکار شد به

پشتیبانی یا حداقل پشتگرمی بسیاری از «دیگر» کشورهای منطقه و جهان انجام گرفته است از آن سو، دو عامل اساسی در دامن زدن به این طرز تلقی از مسائل بوده‌اند. تعمیم این بینش به مسائل سیاسی و فرهنگی درون کشور یکی از تلاش‌هایی بود که در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب برای تدوین راهبردی انجام گرفت که قرار بود، هم کادرهای لازم برای تأسیس دولت جدید را تأمین کند و هم ضامن پشتیبانی مردمی این دولت باشد.

بررسی اینکه آیا در همان سال‌ها نیز این بینش، ابزار مناسبی را در اختیار دولت جدید گذاشت یا نه، پرسشی است که بررسی آن از حوصله این نوشته کوتاه خارج است. واقعیت این است که یک چنین تفکری بر اذهان مسئولان دولت در آن سال‌ها غالب بود و ما برای معیار «خودی» و «غیر خودی» کاربردی وسیع در همه زمینه‌ها قائل بودیم. به نظر می‌رسد آن گروه از رقبای انتخاباتی آقای خاتمی که پشتیبانی «غیر خودی»‌ها از او را برابر با قطع پشتیبانی «خودی»‌ها دانستند، در این مصاف نیز هنوز بر همین دیدگاه حرکت می‌کردند.

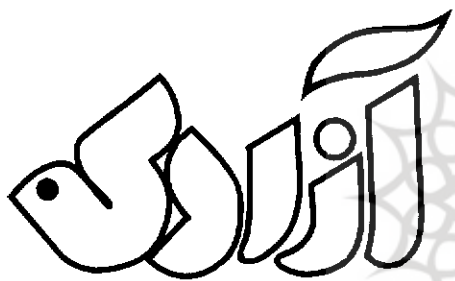
با انتشار نتایج انتخابات آشکار شد که این دیدگاه دیگر آن بُرد اجتماعی گذشته را ندارد. دلیل آن نیز تغییر و تحولات جامعه شناختی کشور در دو دهه اخیر می‌باشد. دو دهه تجربه حضور سیاسی، دو دهه زندگی شهری و قریب به یک دهه تجربه بازسازی موجب آن شده است که اینک در کشور ما، مردم برای شناسایی همبستگی‌شان به یکدیگر، معیارهای متفاوت و گوناگونی را به کار برند. معیارهایی چون

شغل، درآمد، نوع مسکن، مراحل تحصیلی ای که افراد در آن قرار دارند، جنسیت، سن و... ده ها و صدها معیار دیگری که به واسطه زندگی مستمر شهری و جوه شناسایی افراد را تشکیل می دهند و درجات همبستگی شان به یکدیگر را تعیین می نمایند. از این رو، تعیین «خودی» و «غریبه» دیگر آنچنان که پیش از این به نظر می آمد، میسر نیست.

به این جهت، هر گفتاری که بخواهد بنا را بر حذف «دیگری» بگذارد، تعداد افراد زیادی را از خود خواهد راند و بالعکس گفتاری که بر لزوم شناسایی «دیگران» به منزله شهروند تمام عیار، تأکید کند، بسیاری را مخاطب قرار می دهد و جلب توجه خواهد کرد. بدین معنا می توان گفت که پدید آمدن تکثر در جامعه ما است که باعث شد «افشاگری» مذکور، نهایتاً به محبوبیت آقای خاتمی بینجامد.

م.ث

جامعه شناسانه به معضلات اجتماعی است و دیگری پرهیز از افراط و تفریط به ویژه در نگرش به جایگاه زن در جامعه. **آزادی**، نشریه ای عمومی است که می خواهد «جزیی نگر و صنفی فکر نکند، مسائل را در کنار یکدیگر و زنجیروار ببیند، خانواده، جامعه زن و مرد در درون مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری حتی ورزشی مورد بررسی قرار دهد و هدف اصلی، تقویت معرفت و بینش و آگاهی انسان در زندگی است».



## آزادی: هفته ای یکبار منتشر

می شود

**آزادی** نام هفته نامه جدیدی است که شماره صفر آن در ۱۵ بهمن سال گذشته منتشر شد. به نظر می رسد بحث پیرامون مشکلات زنان یکی از محورهای اصلی فعالیت این نشریه خواهد بود، هر چند که تنها محور آن را تشکیل نخواهد داد. خانم رفعت بیات، صاحب امتیاز و مدیر مسئول **آزادی** در مصاحبه ای که در همین اولین شماره انجام داده است، چند وجه تمایز را برای این هفته نامه برشمرده است. یکی «نگاه

در عین حال، از خلال همین مصاحبه وجه تمایز دیگری را نیز می توان برای این هفته نامه برشمرد و آن اینکه «مخاطب آن بیشتر مسئولان خواهند بود. زیرا آنها در وهله نخست، مخاطب اصلی این پیام هستند». هدفی که چندان در زمینه رسانه های عمومی و از آن جمله در مطبوعات متداول نیست.

با توجه به مشکلات عدیده مطبوعات امید است که دست اندرکاران این نشریه با پیگیری موفق به انتشار منظم **آزادی** گردند.

کتابخوان